

آسیب‌شناسی تألیف فارسی عمومی دانشگاهی*

مطالعه موردی، ادبیات معاصر در سی کتاب منتخب

محمد حکیم آذرا^۱

چکیده

درس فارسی عمومی از مجموعه دروس عمومی مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که برای آشنایی دانشجویان غیر رشته ادبیات فارسی در مقاطع کادرنی و کارشناسی پیشنهاد شده است. گذراندن این درس سه واحدی بر اساس سرفصل مصوب وزارتخانه مذکور اهدافی دارد که از آن جمله می‌توان به تقویت توانایی نگارش و آشنایی با متون نظم و نثر فارسی اشاره کرد. در تألیف و تدوین کتاب‌های فارسی عمومی که در سال‌های اخیر صورت گرفته و با توجه به توسعه روزافزون آموزش عالی در ایران رشد فزاینده‌ای نیز داشته است، بسیاری از اصول مندرج در سرفصل وزارت علوم مغفول مانده است. به نظر می‌رسد سلیقه‌های فردی و روحیه تجاری در بسیاری از منابع فارسی عمومی منتشر شده در دهه‌های اخیر بر روحیه علمی و آکادمیک برتری یافته است. در این تحقیق ضمن بررسی و تحلیل محتوای سی جلد از کتاب‌های فارسی عمومی چاپ شده در فاصله زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ به بی توجهی آنها به سرفصل مصوب وزارت علوم پرداخته شده و متون منتخب متوجه به ادبیات معاصر فارسی مورد جست و جو قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فارسی عمومی، سرفصل فارسی عمومی، ادبیات معاصر

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
تاریخ وصول: ۹۲/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۰۱

مقدمه

فارسی زبان مشترک همه اقوام ایرانی است و به عنوان زبان رسمی کشور در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. درس فارسی عمومی به عنوان یکی از دروس دانشگاهی وظیفه آشنا کردن دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاهی در مقاطع کاردانی و کارشناسی را با تاریخ و فرهنگ ایران، نگارش فارسی، زبان فارسی، زیبایی‌شناسی فارسی و اندیشه ایرانی-اسلامی بر عهده دارد. به همین منظور این درس باید آکادمیک، علمی و پیراسته با رویکرد به مباحث مطرح شده باشد. رویکرد نسل جدید دانشجویان به این درس نشان می‌دهد که نیازهای روحی و عاطفی آنان در کتاب‌های فارسی و حتی در سرفصل فارسی عمومی لحاظ نشده است. همه می‌دانیم که از عمر سرفصل فارسی عمومی نزدیک به سی سال می‌گذرد و امروز با توجه به نیاز نسل نو کتاب‌هایی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند که خواسته یا ناخواسته از سرفصل، فاصله گرفته‌اند. هرچند که وحدت رویه در تدریس (و ظاهراً معرفی منبع) از آغاز جزو ضرورت‌های تدریس فارسی عمومی بوده است، ولی امروز عدول از سرفصل به جایی رسیده است که تقریباً در هر دانشگاهی، اعم از دولتی و غیر دولتی، اعضای هیأت علمی، با سلیقه و روش خاص خود به تدریس این درس می‌پردازند. کتاب‌های رنگارنگی که امروزه با عنوان فارسی عمومی در شهرهای مختلف کشور چاپ و توزیع می‌شود نشان می‌دهد که رویکرد به درس فارسی عمومی یک رویکرد اقتصادی است. ظاهراً بازار مناسب و نبود منبعی مصوب که همه بر سر آن به اجماع رسیده باشند برخی را وسوسه یا مجبور می‌کند که به چاپ کتاب بپردازند. در اغلب کتاب‌های منتشر شده اعمال سلیقه‌های گوناگون در برخورد با موضوع ادبیات معاصر مشهود است. هرچند در سرفصل فارسی عمومی و به هنگام تدوین آن ادبیات معاصر نادیده گرفته شده و دامنه ادبیات فارسی تا پایان دوره بازگشت لحاظ شده اما علاقه و آشنایی نسل جوان به این موضوع مهم باعث شده که جای این بخش از متون ادبی فارسی در کتاب‌های فارسی عمومی باز شود. در این تحقیق ضمن توجه به تاریخچه موضوع از دیدگاهی تحلیلی به روند توجه به ادبیات معاصر در سی کتاب منتخب فارسی عمومی دانشگاهی می‌پردازیم.

فرضیات تحقیق

۱. در تألیف کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاهی توجه به ادبیات معاصر فارسی بسیار کلیشه‌ای است به طوری که متون مشابه در اغلب کتاب‌های منتخب دیده می‌شود.
۲. متون مشابه و مکرر ادب معاصر در کتاب‌های فارسی عمومی زیادند.

شرح مسئله تحقیق

آشنایی با زبان معیار و آموختن شیوه‌های درست نویسی و به تبع آن ارتباط صحیح با متن، برجسته‌ترین هدفی است که درس فارسی عمومی در دانشگاه‌ها دنبال می‌کند. از انتظارات غریب که بگذریم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با آموختن ادبیات فارسی و دستور زبان در دبیرستان و مرور دانش‌های زبانی و ادبی در دانشگاه باید بتوانند در نگارش، موفق عمل کنند. یکی از زمینه‌های مناسب تقویت توانایی نگارش و نیز پرورش قوه تحلیل دانشجویان بخش ادبیات معاصر است. در رویکرد به ادبیات معاصر با توجه به این که زبان، کانون اصلی فهم و درک متون است زمینه‌های پذیرش و آشنایی دانشجویان با آثار و شخصیت‌های اثرگذار ادبی فراهم می‌شود. زبان شعر و نثر معاصر به دلیل نزدیکی تاریخی که با زبان معیار دارد می‌تواند در تغییر نگاه دانشجو به پدیده‌های پیرامونی، جهان و طبیعت بسیار مؤثر عمل کند. شعر و نثر معاصر فارسی بخاطر وجود نظریه‌های ملموس و آشنا هنوز آن شکل تثبیت شده و مجسم ادب کهن را به خود نگرفته‌اند و این سیالیت تاریخی می‌تواند برای دانشجو جذابیت و تنوع به بار آورد. هنوز بسیاری از شخصیت‌های اثرگذار شعر و نثر معاصر فارسی نظیر ابتهاج، دولت آبادی، شفیعی کدکنی و اسلامی ندوشن در قید حیات به سر می‌برند و حلقه واسط بین نسل نو و نسل استادان و پیشگامان عرصه ادبیات معاصر ایران هستند. هنوز جدال بین سنت و تجدد در شعر فارسی علی‌رغم گذشت نزدیک به یک قرن از تولد اولین آثار شعر نو وجود دارد و نسل معاصر در کانون این جدال‌ها می‌تواند به درک شخصی از وضعیت و موقعیت شعر معاصر ایران دست یابد.

یکی از آفات تألیف متون فارسی برای تدریس فارسی عمومی در دانشگاه‌ها بی‌توجهی به مسائل و تحولات جامعه است. متون برگزیده مخصوصاً آنها که از ادب قدیم

ایران انتخاب شده‌اند بدون روالی منطقی و بدون شرح و تحلیل ضرورت‌های مترتب بر آنها تدریس می‌شوند. مثلاً در اغلب گزیده‌های فارسی عمومی قصیده "ایوان مدائن" از خاقانی خوانده می‌شود و دانشجویان تازه کار در این متن با مجموعه‌ای از لغات و اصطلاحات غریب آشنا می‌شوند. این کار که تماماً جنبه تکلیفی دارد نه تنها ذوقی در دانشجو بر نمی‌انگیزد بلکه گاه دانشجو را از پیشینه ادبی ایران بیزار می‌کند. همین بی‌سلیقگی در انتخاب متون و تقویت جنبه‌های تکلیفی درس فارسی عمومی باعث شده است که توجه و علاقه دانشجویان به متون معاصر نیز تحت الشعاع قرار بگیرد. دانشجویان غیر رشته ادبیات فارسی در زمینه آشنایی با مسائل ادبی ایران دو دسته‌اند. دسته اول کسانی هستند که دانش ادبی خود را محدود به کتاب‌های فارسی و زبان و نگارش دوره‌های تحصیلی دبستان تا دبیرستان کرده‌اند و آنچه را از متون می‌شناسند محدود به همین کتابهاست. این گروه از دانشجویان به متون ادبی فارسی چنان می‌نگرند که به یک متن علمی. برای این دسته از دانشجویان ادبیات منحصر می‌شود به آرایه‌های ادبی و چند نکته دستوری. عموماً این دسته از دانشجویان از ذوق ورزی بی بهره‌اند و نگرشی کاملاً مکانیکی به متن دارند. عمده‌ترین کارکرد یک متن ادبی برای این گروه کشف چند اصطلاح ادبی و پاسخ دادن به سئوالات چهارگزینه‌ای مرتبط با درس زبان و ادبیات فارسی در کنکور است. دسته دوم دانشجویانی هستند که با تکیه بر ذوق شخصی و یا شاید با دلالت معلمی دلسوز و آگاه در ادوار پیشین تحصیلی خود، نگاهی تحلیلی و سیال به متون ادبی دارند. این گروه از دانشجویان که غالباً تعدادشان در رشته‌های فنی بیش از سایر رشته‌هاست با تکیه بر توانایی و دریافت شخصی خود به تحلیل متون می‌پردازند و در متن به دنبال جهان‌های موجود و ممکن ذهنی نویسنده هستند. انجمن‌های ادبی و هنری در دبیرستان و نیز در سایر نهادهای آموزشی و تربیتی سهم عمده‌ای در تربیت این دسته از دانشجویان دارند. با توجه به تجربه شخصی نگارنده این دسته از دانشجویان در فهم متن بسیار موفق‌ترند و شناخت نسبتاً قوی‌تری از دسته اول به ادبیات معاصر ایران دارند. هر دو گروه یادشده در دوران دانشجویی مکلف به گذراندن یک درس سه واحدی به نام فارسی عمومی هستند که در فرصتی اندک قصد دارد توانایی و مهارت نویسندگی را نیز در این دانشجویان بالا ببرد. نگاهی به سرفصل مصوب وزارت علوم و فقدان جایگاه ادبیات معاصر در آن نشان می‌دهد که امکان تحقق همه

اهداف در فرصت اندک یک ترم و در محدوده آموزشی سه واحد تقریباً وجود ندارد و دانشجویان از درس فارسی صرفاً به عنوان کسکولی ادبی یاد می‌کنند. در این میانه نوع نگاه نویسندگان کتاب‌های منتخب این تحقیق به ادبیات معاصر نیز در پرورش یا کور کردن استعداد دانشجویان مؤثر است.

پیشینه تحقیق

نقد و بررسی کتاب‌های فارسی عمومی از سال‌های قبل در نشریات ایران متداول بوده و هنوز هم ادامه دارد. مقاله فارسی عمومی از عفت نقابی در کتاب ماه ادبیات و فلسفه شهریور ۱۳۷۸، نگاهی به کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاهی از محمود حکم آبادی در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آبان ۱۳۸۰، بررسی ساختار و محتوای کتابهای ادبیات فارسی عمومی دبیرستان (متوسطه و پیش دانشگاهی) از حکمت الله صفری فروشانی (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم ۱۳۸۱)، ارزیابی و تهیه و تدوین مواد درسی فارسی بر پایه اصول ارتباطی با ارائه نمونه درس از فیروزه اخلاقی (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز ۱۳۸۳)، نقد کتاب فارسی موسوم به پنج استاد از دکتر حسین مسجدی در کتاب ماه ادبیات (۱۳۸۴)، کتاب فارسی عمومی در آیین نقد و جستار از عباس جبار نژاد در سخن سمت (زمستان ۱۳۸۴)، نقد و بررسی گزیده‌های نظم و نثر فارسی دکتر دانش پژوه از مهین پناهی در نامه علوم انسانی (۱۳۸۵) نقد و بررسی کتاب‌های فارسی دبیرستان از شهربانو سیاه چین (پایان نامه، دانشگاه گیلان ۱۳۸۶)، طرح تهیه کتاب فارسی عمومی ۲۰۱ از دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۸۶)، تنها نمونه‌های کوچکی از توجه منتقدان و صاحب نظران به طرح و چارچوب کتاب فارسی عمومی است. در این مقاله بیش از سی جلد کتاب فارسی عمومی دانشگاهی که در فاصله زمانی شانزده ساله (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶) چاپ شده‌اند به روش توصیفی و تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرند و نقاط ضعف و قوت هرکدام در توجه به ادبیات معاصر فارسی مشخص می‌شود.

اهداف تحقیق

روشن شدن میزان بی توجهی کتاب‌های فارسی عمومی تألیف شده در بازه زمانی شانزده ساله (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶) به ادبیات معاصر فارسی و همچنین یافتن راهکارهایی برای ایجاد شوق و انگیزه در دانشجویان رشته‌های مختلف برای روی آوردن به نگارش، متن خوانی و پرورش استعداد ادبی از اهداف این تحقیق است.

یکی دیگر از نکاتی که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته این است که طرح کلی تألیف فارسی عمومی و سرفصل مصوب وزارت علوم نیازمند بازنگری اساسی است و اولیای امور در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی موظفند فرایند رکود فرهنگی حاصل از ضعف ادبیات و فقر نوشتن را به عنوان یک تهدید تلقی کنند و برای درمان آن چاره‌ای بیندیشند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این جستار توصیفی و تحلیلی است. بر این اساس پس از مطالعه دقیق هرکدام از کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاهی نقاط قوت و ضعف آنها در خصوص توجه یا بی توجهی به ادبیات معاصر فارسی با توجه به سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری استخراج شد و گزارشی کلی از تحقیق به همراه پیشنهادهایی برای تدوین بهتر این دسته از کتاب‌ها ارائه گردید.

کتاب‌هایی که در این تحقیق بررسی شده‌اند به قرار زیرند:

ادب و نگارش فارسی از حسن احمدی گیوی / زبان و نگارش فارسی از حسن احمدی گیوی، و دیگران / فارسی عمومی از امیراسماعیل آذر و دیگران / فارسی عمومی ۱ از غلامرضا ارژنگ / فارسی عمومی از رضا اشرف‌زاده / گلگشت ادب از سید محمود الهام‌بخش / برگزیده‌ی متون ادب فارسی از جلیل تجلیل و دیگران / از پيله تا پروانه از حمیدرضا جدیدی / زبان و ادبیات فارسی از مهرداد چترایی / فارسی عمومی از خلیل حدیدی و دیگران / فارسی عمومی از سید محمد دامادی / زبان و ادبیات فارسی از حسن ذوالفقاری و دیگران / فارسی عمومی از محمدرضا راشد محصل و دیگران / سخن شیرین پارسی از اکبر صیاد کوه و دیگران / زبان و ادبیات فارسی از غلام محمد طاهری مبارکه /

گزیده سخن پارسی از اسحاق طغیانی و دیگران / در گلستان ادب فارسی از غضنفر عبدی و دیگران / فارسی عمومی از احمد غنی‌پور ملک‌شاه، و دیگران / فارسی عمومی از محمود فتوحی، و دیگران / معناگران صورت، صورتگران معنا از عباس قنبری عدیوی و دیگری / فارسی عمومی از ابراهیم قیصری و دیگران / فارسی عمومی از گروه مؤلفان دانشگاه پیام / فارسی عمومی از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرکرد / فارسی عمومی از مهدی ماحوزی / فارسی عمومی از امید مجد / فارسی عمومی از مهدی محبتی / فارسی همگانی از عبدالرضا مدرس زاده / فارسی مقدماتی از فرج‌الله موسوی و دیگران / از آفاق ادب فارسی از احمدرضا یلمه‌ها و دیگران / زبان و ادبیات فارسی از احمدرضا یلمه‌ها و دیگران.

بحث و بررسی

الف) ادبیات معاصر و ضرورت‌ها

نتیجهٔ بروز ادبیات معاصر فارسی هرچه که بوده بسیار قدرتمند و اثرگذار بوده است. شعر و نثر کهن فارسی با آن که به ظاهر فاقد نظریهٔ منسجم و مکتوب (آن گونه که مثلاً مکاتب ادبی اروپایی واجد آنند) بوده است در سیر تحول و تطور خود به طرز بسیار مقتدرانه تولیدات فرهنگی خود را عرضه کرده و کوشیده تا مخاطبان خود را در این مسیر جذب و هدایت کند. نظریهٔ ادبی کهن فارسی از زمان پیدایی اولین نمونه‌های شعر فارسی کفهٔ ترازو را به سود شعر پایین آورد و سهم نثر را کمتر ادا کرد. دقت در سیر تحول نثر فارسی نشان می‌دهد که اهتمام ایرانیان به تولید نثر ادبی بسیار کمتر از شعر بوده است. «اگر نیک بنگریم این نابرابری شاید بدان سبب بود که شعر در نظر متقدمان نمونه‌ای کامل عیار از جمال اسلوب شناخته می‌شد و به نثر تنها در جهت بیان معانی و مفاهیم می‌نگریستند و اگر هم گهگاه در نوشته‌های خود به نقد نثر می‌پرداختند بیشتر به مضامین توجه داشتند نه اسالیب که در نظر آنان مختص به شعر بود و نثر در قید بیان معنی کمتر می‌توانست نمونه‌هایی از آن را چنان که بتوان با شعر برابر نهاد ارائه دهد» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۱۲). اهتمام به شعر به عنوان رسانه‌ای فرهنگی در ادوار مختلف ادبیات فارسی نشان می‌دهد که انگارهٔ "شعر برای شعر" بسیار قوی‌تر بوده است از فرض "نثر برای نثر". نثر در

ادبیات فارسی کالایی است در خدمت بیان مقاصد. مقاصد تاریخی، دینی، عرفانی و فلسفی. به ندرت می‌توان اثری در ادبیات فارسی در حوزه نثر یافت که در آن نثر نتیجه هنری به نام "نثر نویسی" بوده باشد. این رویکرد بی‌گمان در شعر هنری‌تر و فعال‌تر بوده است. قامت شعر فارسی را با قبای هنر آراسته‌اند و هر جا که شعر به عنوان حامل و واسطه عمل کرده خالی از تزئینات و بلاغت نبوده؛ فلذا باید گفت که در ادب فارسی همواره شعر بر نثر تفوق داشته و تولید آثار ادبی با قالب‌های شعری بسیار متداول‌تر بوده تا اسالیب نثری.

خلاقیت ادبیات فارسی همان طور که گفته شد بیشتر بر عهده شعر بوده است. این روند تا دوران تجدد و آشنایی ایرانیان با جهان جدید ادامه داشت تا این که برای نخستین بار از طریق ترجمه آثار ادبی زمینه‌های بروز یک انقلاب جدی در ادبیات فارسی پدیدار شد. شفیع کدکنی ظهور ادبیات متجدد را مرهون آشنایی ایرانیان با فرهنگ غربی می‌داند. وی در خصوص پیدایی شعر نو فارسی می‌گوید: «هرچه زیبایی و لطف در شعر امروز ایران دیده می‌شود حاصل پیوند درخت فرهنگ ایرانی و درخت فرهنگ اروپایی است. در تمام ذرات و مولکول‌های معنی دار و متعالی این خلاقیت جای پای شعر و فضا و بلاغت و اسطوره و ادب اروپایی قابل تعقیب است. همان گونه که دیوان شرقی غربی گوته که یکی از بزرگ‌ترین آثار فرهنگ بشری است از لقاح شعر اروپایی و شعر فارسی شکل گرفته است و هیچ کسی گوته را به سرقت یا اقتباس یا ترجمه متهم نمی‌کند و از این چشم انداز بر کار او انتقادی وارد نیست در مورد شعر قرن بیستم زبان فارسی نیز باید به همین دید نگریسته شود» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

محصول آشنایی با فرهنگ جدید کالایی جدید بود که ما امروز از آن با تسامح و بدون توجه به بار معنایی کلمه معاصر به شعر معاصر تعبیر می‌کنیم. شعر معاصر و متعاقب آن نثر معاصر از طریق آثار مترجم به اتمسفر ادبی ایران حال و هوایی تازه بخشید. ادب متجدد فارسی در این راه، مخالفان سرسختی چون ایرج و بهار و ادیبان وفادار به سنت ادبی ایران نیز داشت اما به مسیر خود ادامه داد تا جایی که امروزه می‌توان ادعا کرد این ادبیات نظریه مشخص و مکتوب دارد و ضرورتی انکار ناپذیر در سیر تطور ادب فارسی بوده است. جدالی که بهار و ایرج و دیگران با پیشگامان تجدد در ادبیات فارسی معاصر

داشتند جدال نظریه قدرتمند ادب کهن با نظریه نوپای ادب معاصر بود. این جدال ضرورتی تاریخی و رخدادی انکار ناپذیر بوده و هست. زرین کوب در این خصوص می‌گوید: «نزاع بین کهنه و نو در همه شئون زندگی و در هر آنچه با زندگی مربوط است از دیرباز ادامه دارد. بشر که به اقتضای عقل، محتاط و به حکم اراده خویش جسور و بی پرواست این سنت طبیعی دیرین را همواره دنبال می‌کند. این سنت دیرین این نزاع کهنه و نو نمودار حیات و نگهبان زندگی است. چیزی است که آینده را بر بنیاد گذشته می‌سازد و بین گذشته و آینده رابطه ایجاد می‌کند. این نزاع کهنه و نو در همه جوامع در تمام قرون و در کلیه امور جهان جریان دارد. در علم، در هنر، در اقتصاد و در همه چیز کهنه و نو با یکدیگر دست به گریبانند» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۳۴۳-۳۴۲). اگر به نسبییت کهنه و نو قائل باشیم می‌بینیم که هر کهنه‌ای روزی کالایی نو بوده و لابد در زمان خود مخالفان و معاندانی نیز داشته است. اعتراض صاحب حدائق السحر به نوآرانی نظیر ازرقی هروی که بر قراردادهای بلاغی قدما سر فرو نیاورده‌اند یکی از این نمونه‌هاست. رشید وطواط در مورد "تجدد" ازرقی هروی می‌گوید: «البته نیکو و پسندیده نیست این که جماعتی از شعرا کرده‌اند و می‌کنند. چیزی را تشبیه کردن به چیزی که در خیال و وهم موجود نباشد و نه در اعیان، چنان که انگشت افروخته را به دریای مشکین که موج او زرین باشد تشبیه کنند و هرگز در اعیان نه دریای مشکین موجودست و نه موج زرین و اهل روزگار از قلت معرفت، به تشبیهات ازرقی مفتون و معجب شده‌اند و در شعر او همه تشبیهات ازین جنس است و به کار نیاید (رشید وطواط، ۱۳۶۲: ۴۲)». همه می‌دانیم که همین نوآوریهای امثال ازرقی بود که سرانجام در قرن ششم منجر به ظهور شاعر بزرگی چون خاقانی و نهایتاً پدیدار شدن سبک شعری آذربایجانی شد.

ب) ادبیات معاصر و زبان معیار

در کشاکش نزاع بین سنت و تجدد، زاینده‌گی و بالندگی در هنر امری قطعی و غیر قابل انکار است. تحولاتی که در دهه‌های گذشته در نثر و شعر فارسی پدید آمد منجر به ظهور جریان جدیدی از زبان معیار شد که در سده گذشته تصور آن ممکن نبود. زبانی که امروز به عنوان زبان معیار از آن سخن می‌گوییم از آسیاب ادبیات معاصر و نیز از کشمکش‌هایی

که جریان کهنه و نو با یکدیگر داشتند پدید آمده است. ظهور نویسندگان بزرگی چون اسلامی ندوشن، سیمین دانشور و محمود دولت آبادی را می‌توان نتیجه نزع بین نثر قجری با جامعه در حال تجدد ایران دانست که نهایتاً پیروزی را به سود مدرنیسم ادبی رقم زد. بیشترین سود از پیروزی مدرنیسم ادبی نصیب نسل‌های نوگرا و نواندیش شد و هنوز این داستان ادامه دارد. آشنایی نسل نو با جنبه‌های مختلف ادبیات معاصر محصولی جز آگاهی و تقویت مبانی فرهنگی ندارد. نسل نو با آثار ادیبان معاصر خود آسان‌تر کنار می‌آید. اساساً می‌توان ادبیات و شیرینی‌های آن را از رهیافت به زبان معاصر و از آن مسیر به لایه‌های کهن تاریخی آموزش داد، حال آن که می‌بینیم در اغلب کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاهی ماجرا برعکس است. در بیشتر کتاب‌های سی گانه‌ای که در این تحقیق مورد پژوهش قرار گرفت رویکرد تدوین کتاب یا بر اساس تاریخ بود (تاریخ محور) یا بر اساس سبک‌های ادبی (سبک محور). حرکت بر نمودار زمان در اغلب کتاب‌های مورد بررسی از قدیم به جدید بوده است. از رودکی تا ابتهاج و از بیهقی تا جلال آل احمد. در این مسیر تاریخی و سبکی که تقریباً هر دو بر هم منطبقند، زبان و آموزه‌های زبانی از سخت به آسان و از کهنه به نو رخ می‌نماید در حالی که از نظر منطق آموزشی موضوع باید عکس این باشد. دانشجویی که با زبان معیار ارتباط درستی برقرار نکرده و هنوز خزانه واژگانی قدرتمندی حاصل نکرده چگونه می‌تواند شعر ابوالحسن آغاچی یا ابوسلیک گرگانی را فهم کند؟ ارتباط قوی ادبیات معاصر با زبان معیار و گونه‌های مختلف آن و نیز زودفهمی متون ادب معاصر بخاطر رابطه تاریخی هم‌زمانی با مخاطب جوان، ضرورت توجه به آن را بیش از پیش روشن می‌کند.

بر خلاف گذشته که فاصله آشکاری بین زبان ادبی و زبان معیار وجود داشت امروزه این فاصله بسیار کم شده است. «زبان معیار در اوایل دوره مشروطه به لحاظ وجهه و اعتبار پایین‌تر از زبان ادبی قرار داشت ولی رفته رفته وجهه بیشتری کسب کرد و نقش‌های فراوانی بر عهده گرفت. با این حال الگوهای ادبی هنوز هم بسیار قدرتمندند. به هر روی برخی مصادیق گونه ادبی معیار به شرح ذیل است: ادبیات کودکان و نوجوانان، بسیاری از رمان‌ها و داستان‌های ترجمه شده، بخش توصیف داستانی در اغلب رمان‌ها و داستان‌های کوتاه، آثار طنز» (سارلی، ۱۳۸۷: ۳۴۴). زبان فارسی معاصر که امتداد صورت تغییر شکل

یافته فارسی قاجاری و به تعبیری دیگر، صورت اصلاح شده زبان قرن گذشته است غیر از این که زبان ارتباط مردم است، زبان شعر و داستان معاصر نیز هست. بین زبان معاصر فارسی با آثار شاعران و سخنوران و نویسندگان امروز زاویه چندان مشاهده نمی‌شود. نثر اسلامی ندوشن برای مخاطب جوان به همان میزان قابل درک است که مثلاً یک صفحه روزنامه، اما در قرون و اعصار پیشین به گواه مطالعات زبان‌شناسی تاریخی اینچنین نبوده است. همین امر ضرورت و اهمیت آشنایی نسل جوان را با زبان معیار و متعاقب آن ادبیات معاصر روشن می‌کند. محمد مهیار با رویکرد به همین موضوع مهم در طرح پیشنهادی خود برای تدوین سرفصل درس فارسی (درسنامه) و چاپ کتاب در این زمینه می‌گوید: «هر درس به سه بخش نثر معیار، متون هنری و کارگاه آموزشی تقسیم شود. در بخش نثر معیار که پیکره اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد قطعه‌ای از آثار منثور از نویسندگان، مترجمان، نقادان و قصه‌نویسان معاصر آورده شود تا بتواند راهنمای نویسندگی جوانان قرار بگیرد؛ زیرا همانطور که قبلاً متذکر شدم هدف اصلی آموزش این درس مهارت در نثر معیار است؛ زیرا زبان و ادبیات دو مقوله عام و خاص هستند که همانند طرح و بافت در فرش‌های نفیس ایرانی از هم جدایی ناپذیرند. پس آموزش زبان از طریق ادبیات که به زبان معیار خلق شده باشد طبیعی‌ترین راه آموزش زبان و ادبیات است» (مهیار، ۱۳۷۹: ۱۵).

پ، آموزش فارسی قبل از دانشگاه

بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی زبان و خط فارسی بین همه اقوام ایرانی مشترک است و باید کلیه مکاتبات و اسناد بدین خط و زبان باشد. بر اساس همین اصل زبان فارسی و نیز ادبیات فارسی در کلیه مقاطع تحصیلی جزو تکالیف اصلی دانش‌آموزان بوده و ضرورت آموزش و تدریس آن به استناد قانون اساسی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی ایران است. در نظام آموزش و پرورش قدیم و جدید درس‌های زبان فارسی و ادبیات فارسی جزو دروس عمومی کلیه رشته‌ها (بجز ادبیات و علوم انسانی) بوده و هست. این درس در کلیه مراحل آموزشی از دبستان تا پیش‌دانشگاهی تدریس می‌شود. در ارزشیابی پایان دوره پیش‌دانشگاهی و زمان شرکت در مسابقه ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز یکی از دروس تعیین‌کننده، درس زبان و ادبیات فارسی است.

در سال‌های دهه پنجاه و شصت، تدوین کتاب‌های مرتبط با آموزش زبان و ادبیات فارسی نظام و قاعده مشخصی نداشت و غالباً کتاب‌ها به صورت جنگ‌واره، مجموعه‌ای از متون ادب فارسی بود. از دهه هفتاد با تغییر رویکرد تدوین کتاب‌های فارسی، رویکرد تدوین کتاب بر مبنای "انواع ادبی" و "سبک‌شناسی" جای خود را در منابع آموزشی ادبیات فارسی باز کرد و متون منتخب دچار تحولات عمده‌ای شدند. از سوی دیگر روش آموزش سنتی دستور زبان فارسی که بیشتر بر روش آموزش صرف و نحو عربی استوار بوده برچیده شد و رویکردهای زبان‌شناسانه در آموزش دستور به کتاب‌های درسی راه یافت. این تحولات چنان که در بسیاری از شئون دیگر نیز یک سویه بود فقط در آموزش و پرورش رخ داد و استمراری به سمت آموزش عالی نیافت. «از ویژگی‌های اساسی برنامه دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تفکیک دو مقوله زبان و ادبیات
- تلفیق و درهم‌تنیدگی مواد درسی
- توجه به رویکرد آموزشی زبان فارسی و تقویت مهارت‌های چهارگانه زبان آموزی
- از طریق توجه به مهارت‌های چهارگانه زبانی
- رویکرد آمیختگی تدریس با ارزشیابی
- رویکرد آموزش مرحله‌ای و توجه همه‌جانبه به مقولات و متون ادبی
- استفاده از روش لایه به لایه یا حلزونی در ارائه مفاهیم
- توجه به شیوه‌های نوین تدریس
- توجه ویژه به ادبیات معاصر چنان که بیش از شصت درصد از متون انتخابی متعلق به یکصد ساله اخیر است

- به روز بودن متون انتخابی و ...» (ذوالفقاری، ۱۳۷۹: ۴۹).

دانش آموز در دوره‌های آموزشی دبستان تا دبیرستان از شیوه خاصی از متن‌شناسی و رسم الخطی منحصر به کتاب‌های درسی بهره می‌گرفت ولی در دانشگاه فضای دیگری را در این زمینه تجربه می‌کرد. پیامد این این گسست آموزشی نوعی گسست فرهنگی است. در همان سال‌های دهه‌های شصت و هفتاد کتابی که از سوی وزارت علوم و مرکز نشر دانشگاهی به عنوان منبع تدریس فارسی عمومی تجویز شده بود کتابی بود موسوم به پنج

استاد. این کتاب که اشکالات ساختاری و روش شناختی فراوانی داشت کشکولی بود از متون ادب فارسی با رویکردهای افراطی اخلاقی، ایدئولوژیک و تعلیمی. محققان و منتقدان بسیاری بر این کتاب انتقاد وارد کردند ولی انتشار آن کماکان با قوت ادامه داشت. مقایسهٔ ضمنی منبع اخیر با کتاب‌های درسی دورهٔ متوسطه شکاف بین دیدگاه‌های آموزشی کلاسیک و نو را به خوبی آشکار می‌کرد.

ت) بررسی اجمالی متون منتخب

در کتاب‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند رویکرد به ادبیات معاصر از هیچ قاعده و اصل مشخصی پیروی نمی‌کند. در برخی از این کتاب‌ها متون ادب معاصر با تکیه بر ذوق مؤلف انتخاب شده و در برخی نیز از کنار ادبیات معاصر گذشته‌اند. اشکال عمده‌ای که همچنان در تعریف محدودهٔ "ادبیات معاصر" و مؤکداً واژهٔ "معاصر" داریم باعث شده که در برخی از این کتاب‌ها مفهوم معاصر به بهار و پروین محدود شود و در برخی تا قیصر امین پور و سعید بیابانکی امتداد بیابد. اگر همان تعریف متداول "معاصر" را بپذیریم که ادبیات فارسی از اواخر مشروطه تا امروز را در بر می‌گیرد_ علی‌رغم همهٔ اشکالاتی که به این تعریف وارد است_ رویکرد کتاب‌های سی‌گانهٔ مورد بررسی در زمینهٔ توجه به شعر و نثر جدید فارسی بدین شکل بوده است:

از مجموع ۷۷۳ متن منتخب نثر در سی کتاب یادشده تعداد ۲۶۸ متن مربوط به یکصد سال اخیر ایران است. در این ۲۶۸ متن منتخب تعدادی تکراری است و به گونه‌ای کلیشه‌وار در برخی متون طرف توجه بوده است؛ مانند داستان داش آکل از هدایت. با این همه می‌توان ادعا کرد که حدود یک سوم از متون منتخب نثر (۳۴ درصد) مربوط به دوران معاصر است. دلیل این رویکرد را می‌توان در مستور بودن نثر ادبی در تاریخ ادبیات فارسی دانست. کم توجهی و بعضاً بی توجهی به نثر ادبی، غلبهٔ رویکردهای صورت‌گرایانه در تولید نثر (نثرهای مصنوع و متکلف)، فقدان نظریهٔ داستان و محدود بودن تعاریف "فاضل و ادیب" به حوزهٔ ادب منظوم و کسی که بتواند بلاغت را در شعر متجلی کند، باعث شد است که کفهٔ ترازو در زمینهٔ نثر ضعیف باشد. با همهٔ ضعفی که در زمینهٔ ادبیات منثور داشته‌ایم باز هم بیش از دو سوم متون منتخب در کتاب‌های سی‌گانه مربوط به نثر قدیم است. هدف

گزینش این متون که غالباً از منابع تعلیمی و ادب مصنوع برگرفته شده، ظاهراً آشنا کردن دانشجویان با پیشینه ادبی ایران بوده است. توفیق این امر را البته می‌توان تا حدودی در نثر دانشجویان و نوع نگارش آن‌ها نیز دریافت!

در متون منتخب رویکرد به شعر همان گونه که انتظار می‌رود بسیار بیشتر از نثر بوده است به طوری که مجموع متون منظوم در این سی کتاب دوهزار و چهل متن است که به نسبت متون نثر بیش از دو و نیم برابر است. در متون منتخب نظم نیز مانند متون نثر موارد تکراری در کتاب‌های سی گانه کم و بیش دیده می‌شود. در بسیاری از این کتاب‌ها اشعاری نظیر "گوچه" از فریدون مشیری، "زمستان" از مهدی اخوان ثالث، "صدای پای آب" از سهراب سپهری، "عقاب" از دکتر خانلری، "سفر بخیر" از شفیعی کدکنی و "یادآر ز شمع مرده یادآر" از دهخدا مکرراً نقل شده است. فقدان روش شناسی و عدم انطباق این منابع با سرفصل مصوب وزارت علوم از دیگر آفات تدوین این کتاب‌هاست. در ادامه نگاهی به جدول توزیع متون و مقایسه وضعیت شعر و نثر معاصر با سایر ادوار شعر و نثر فارسی خالی از لطف نیست:

جدول توزیع متون نظم و نثر فارسی بر اساس دوره‌های سبکی و تاریخی در کتاب‌های سی گانه مورد بررسی

دوره‌های نثر	تعداد	درصد	دوره‌های نظم	تعداد	درصد
دوره سامانی	۳۲	۴/۱۴	سبک خراسانی	۲۴۱	۱۱/۸
دوره غزنوی	۱۳۱	۱۶/۹۴	سبک عصر سلجوقیان	۲۴۳	۱۱/۹
دوره سلجوقی	۱۴۲	۱۸/۳۷	سبک عراقی	۵۲۶	۲۵/۸
دوره مغول	۱۶۶	۲۱/۴۷	مکتب وقوع	۵۶	۲/۷
دوره زند و قاجار	۱۵	۱/۹۴	سبک هندی	۱۳۶	۶/۷
دوره مشروطه	۱۹	۲/۴۵	مکتب بازگشت ادبی	۶۵	۳/۲
دوره معاصر	۲۶۸	۳۴/۶۷	دوره مشروطه	۱۲۶	۶/۲
			سبک معاصر	۶۴۷	۳۱/۷

توزیع متون نظم و نثر معاصر در کتاب‌های سی‌گانه به طور متوسط بیش از سی درصد است و این امر نشان می‌دهد که رویکرد به ادبیات معاصر فارسی در مقام مقایسه با سبک‌ها و ادوار هزار و دویست ساله شعر فارسی و علی‌رغم سرفصل وزارت علوم بسیار زیاد و قابل توجه است. همان طور که در بالا آمد در کتاب‌های نظام آموزش متوسطه، حدود شصت درصد از متن‌های منتخب از حوزه ادبیات معاصر است که وقتی با منابع دانشگاهی مقایسه می‌شود اختلاف حدود سی درصدی آن قابل تأمل است.

بحث در خصوص ارزش، میزان و تعریف واژه "معاصر" در این مقاله با تسامح مطرح شد زیرا همان طور که گفته شد تعریف مشخص و دقیقی از شعر نو و واژه معاصر در دست نداریم و گرنه در این خصوص می‌توان با دقت بیشتری سخن گفت. اغلب متونی که در کتاب‌های سی‌گانه، تحت عنوان منتخب آمده‌اند مربوط به فضای ادبی پیش از انقلاب اسلامی هستند و برای مثال نیما یوشیج و صادق هدایت در پیش فرض روش شناختی مؤلفان کتاب‌های یاد شده، "معاصر" فرض شده‌اند در حالی که امروز حدود یک قرن از فعالیت و انقلاب ادبی نیما در شعر معاصر ایران می‌گذرد.

نتیجه

در این تحقیق به بررسی سی کتاب منتخب فارسی عمومی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی پرداخته شد تا میزان بهره‌گیری آن‌ها از متون ادب معاصر فارسی مشخص شود. نتیجه حاصل از این تحقیق به شرح ذیل است:

۱. در تدوین کتاب‌ها و در بخش نگاه به ادب معاصر سرفصل مصوب وزارت علوم چندان جایگاهی ندارد زیرا اساساً در این سرفصل چیزی به نام ادبیات معاصر وجود ندارد.
۲. در حوزه ادبیات معاصر و در مقام مقایسه با کتاب‌های تألیفی وزارت آموزش و پرورش هنوز جای متون ادب معاصر آن گونه که باید باز نشده است.
۳. اشکال در تعریف واژه معاصر و جدال بر سر آن نمی‌تواند اجازه بدهد که آمار دقیق و روشنی از وضعیت متون ادبی امروز حاصل شود. شعر نو، نثر نو و ادبیات معاصر سه اصطلاحی هستند که از امروز تا یکصد سال پیش را شامل می‌شوند و این امر حصول نتیجه مشخص را ناممکن می‌کند.

۴. با تسامح در خصوص اصطلاح معاصر می‌توان ادعا کرد که رویکرد به نثر معاصر همپای شعر معاصر در منابع تألیفی مشهود است و اختلاف فاحشی که در متون کهن بین شعر و نثر از نظر آمار تولیدات ادبی دیده می‌شد در حوزه معاصر بسیار کم شده است.

منابع

۱. احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۹). ادب و نگارش فارسی. ج ۹. تهران: قطره.
۲. احمدی گیوی، حسن و دیگران. (۱۳۸۶). زبان و نگارش فارسی. ج ۲۶. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. آذر، امیراسماعیل و دیگران. (۱۳۸۷). فارسی عمومی. ج ۲. تهران: سخن.
۴. ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۷۲). فارسی عمومی ۱. چاپ. دانشگاه پیام نور.
۵. اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۳). فارسی عمومی. ج ۶. تهران: اساطیر.
۶. الهام‌بخش، سید محمود. (۱۳۸۴). گلگشت ادب. ج ۲. یزد: سروش مهر.
۷. تجلیل، جلیل و دیگران. (۱۳۸۵). برگزیده‌ی متون ادب فارسی. ج ۲۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. جدیدی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). از پبله تا پروانه ۲. ج ۲. تهران: حفیظ.
۹. چترایی، مهرداد. (۱۳۸۳). زبان و ادبیات فارسی. اصفهان: پارسا.
۱۰. حدیدی، خلیل و دیگران. (۱۳۸۱). فارسی عمومی. تبریز: هما.
۱۱. خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). فن نثر در ادب پارسی. تهران: زوار.
۱۲. دامادی، سید محمد. (۱۳۸۴). فارسی عمومی. ج ۴. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. ذوالفقاری، حسن و دیگران. (۱۳۸۰). زبان و ادبیات فارسی. ج ۹. تهران: چشمه.
۱۴. راشد محصل، محمدرضا و دیگران. (۱۳۸۵). فارسی عمومی. ج ۳. مشهد: چاپ دانشگاه فردوسی.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). نه شرقی نه غربی. انسانی. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
۱۶. سارلی، ناصرقلی. (۱۳۸۷). زبان فارسی معیار. تهران: هرمس.
۱۷. شفیع‌کدکنی. (۱۳۹۰). باچراغ و آینه. تهران: سخن.
۱۸. صیاد کود، اکبر و دیگران. (۱۳۸۶). سخن شیرین پارسی. ج ۱۰. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. طاهری مبارکه، غلام محمد. (۱۳۸۲). زبان و ادبیات فارسی. ج ۴. اصفهان: علوم و فنون.
۲۰. طغیانی، اسحاق و دیگری (۱۳۸۸). گزیده سخن پارسی. ج ۳. اصفهان: ارغوان.
۲۱. عبدی، غضنفر و دیگران. (۱۳۸۸). در گلستان ادب فارسی. ج ۳. اصفهان: دانا.
۲۲. غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و ابراهیم تبار، ابراهیم. (۱۳۸۴). فارسی عمومی. ج ۲. بابل: راز دانش.
۲۳. فتوحی، محمود و غلام، محمد. (۱۳۸۵). فارسی عمومی. ج ۱۴. تهران: سخن.
۲۴. قنبری عدیوی. عباس و رحیم خانی، احمد، (۱۳۸۴). معناگران صورت. صورتگران معنا. شهرکرد: مرید.
۲۵. قیصری، ابراهیم و دهقانی، محمد. (۱۳۸۱). فارسی عمومی. تهران: قرائن.
۲۶. گروه مؤلفان دانشگاه پیام نور. (۱۳۸۳). فارسی عمومی. ج ۱۹. دانشگاه پیام نور.
۲۷. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرکرد. (۱۳۸۵). شهرکرد: کیمیا.
۲۸. ماحوزی، مهدی. (۱۳۷۶). فارسی عمومی. ج ۲. تهران: اساطیر.
۲۹. مجد، امید. (۱۳۸۸). فارسی عمومی. ج ۶. تهران: کاج.

۳۰. محبتی، مهدی. (۱۳۸۴) فارسی عمومی. ج ۲. تهران: سخن.
۳۱. مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۸۵) فارسی همگانی. ج سوم. مطبوعات دینی قم.
۳۲. موسوی، فرج‌الله و دیگری. (۱۳۸۳). فارسی مقدماتی. زوار، تهران.
۳۳. وطواط، رشیدالدین. (۱۳۶۲). حدائق السحر فی دقائق الشعر. به اهتمام عباس اقبال. تهران. سنائی و طهوری.
۳۴. یلمه‌ها، احمدرضا و دیگری. (۱۳۸۶) از آفاق ادب فارسی. مانا. اصفهان.
۳۵. یلمه‌ها، احمدرضا و دیگری. (۱۳۸۵) زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی - واحد نجف‌آباد.

ب) مقالات

۳۶. مهبیار، محمد. (۱۳۷۹). "طرح تدوین درسنامه فارسی عمومی" در کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۳۴. مرداد ۱۳۷۹. صص ۱۴-۱۵.
۳۷. ذوالفقاری، حسن. (۱۳۷۹). "فارسی عمومی دانشگاه‌ها" در کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۳۶. مهر ۱۳۷۹. صص ۴۸-۵۱.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی "آسیب شناسی تألیف فارسی عمومی دانشگاهی" است که با حمایت مادی و معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد و به استناد مصوبه نهایی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ به انجام رسید.